

نکات کلیدی درس اول فلسفه

چیستی فلسفه

صفحه ۲ تا ۱۱

مسئله هایی که در زندگی با آنها مواجه می شویم:

۱- مسائل روزمره زندگی "مانند این که امروز چند ساعت درس بخوانم؟"

۲- سوال های خاصی که می توانند ساعات طولانی ما را مشغول به تفکر کنند "مانند

اینکه چرا در دنیا درد و رنج هست؟"

پیش آمدن سوال برای انسان ← نادانی انسان در باره چیزی

واسطه رسیدن انسان از مجهولات به معلومات یا از پرسش به پاسخ ← تفکر

مراحل اندیشه ورزی:

روبرو شدن با مسئله ← طرح سوال ← تفکر در اندوخته ها ← رسیدن به پاسخ

دو مرتبه تفکر:

۱- تفکر غیر فلسفی (مرحله اول تفکر): انسان به دنبال پاسخ سوال های معمولی

و روزانه است. (فطرت اول به گفته ملاصدرا)

۲- تفکر فلسفی (فطرت ثانی به گفته ملاصدرا): ورود به پرسش های اساسی و تفکر در

آنها

شرط عبور از مرحله اول به دوم تفکر ← پرداختن به پرسش های اساسی با جدیت و به طور پیوسته

نکته: سوالات دسته دوم بنیادی و در مورد موضوعات اساسی است.

تصمیم گیری های انسان به نتیجه روشنی نمی رسد ← اگر پاسخ درست و قانع کننده ای برای پرسش های فلسفی نیابد.

ظهور فلسفه: تلاش بشر برای رسیدن به پاسخ قانونمند سوالات بنیادی

لفظ فلسفه:

۱- دارای ریشه یونانی

۲- عربی شده فیلسوفیا

۳- در ابتدا شامل همه دانش ها می شده

۴- سقراط آن را عمومی کرد و بر سر زبان ها انداخت

فیلسوفیا مرکب از دو بخش:

۱- فیلو به معنی دوست داری

۲- سوفیا به معنی دانایی

www.my-dars.ir

کلمه سوفیست:

- ۱- در ابتدا به معنی دانشمند بود
 - ۲- بعدها مفهوم مغالطه کار گرفت
 - ۳- سفسطه به معنی مغالطه کاری از آن گرفته شده است
- فیلسوف به معنای دوستدار دانش است ← سقراط خود را (فیلسوفوس) فیلسوف نامید.

سوفیست‌ها:

- ۱- اشتغال بیشتر آنان به تعلیم سخنوری و وکالت.
 - ۲- مهمترین هدفشان پیروزی بر رقیب بود
 - ۳- در استدلال هایشان از مغالطه‌هایی کمک می‌گرفتند که به ظاهر درست می‌آمدند.
- با توجه به رویه‌ای که سوفیست‌ها در پیش گرفته بودند موجب ظهور دانشمندی شدند که:
- ۱- برای حقیقت و واقعیت ارزش و اعتبار قائل نبودند.
 - ۲- حقیقت را برای هرکسی نسبی می‌دانستند.

سقراط به دو دلیل مایل نبود او را سوفیست بخوانند:

- ۱- تواضع و فروتنی در برابر دانایی و علم
- ۲- یا هم ردیف نشدن با سوفیست‌ها

کاربرد لفظ فلسفه در گذشت زمان

فلسفه به معنای دوست داری دانایی ← فلسفه به معنای مطلق دانش ← فلسفه به معنای دانش خاص

تمایز دانش ها با هم از دو جهت

۱- موضوع مورد مطالعه

۲- روش مورد استفاده

موضوع فلسفه: اصل وجود و حقیقت انسان، جهان و طبیعت.

فلسفه درباره ی هستی و موجودیت موجودات صحبت می کند ← پس مباحث فلسفی پایه و اساس سایر علوم اند.

روش فلسفه: استفاده از عقل و استدلال (خصوصاً استدلال قیاسی)

گامهای قرار گرفتن در مسیر درست تفکر فلسفی:

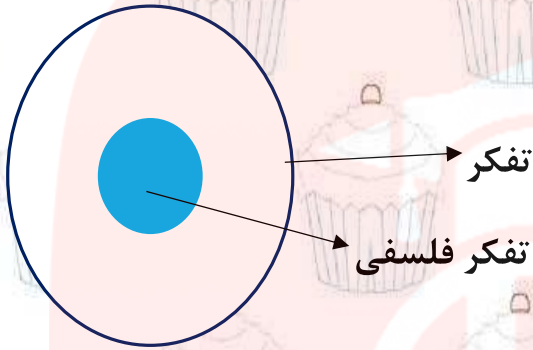
۱- آگاهی از مجهولات و دانسته های خود

۲- جستجو پاسخ به سوالات

۳- ارائه استدلال صحیح

۴- داشتن معیار برای پذیرش پاسخ

نکته:



تفکر عام تر از تفکر فلسفی است. مثلاً شامل تفکر غیر فلسفی هم می‌شود و رابطه بین آنها عموم و خصوص مطلق است.

نکته: فلسفه از جهت روش مشابه علم ریاضیات است اما در موضوع نه. موضوع ریاضیات مقدار و کمیت است.

مای دارس
گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

"سه تست برای تثبیت مطلب"

تست اول:

کدام عبارت درست است؟ (کنکور ۹۹)

۱) برخی از مسائل فلسفه با روش تجربی قابل بررسی است اما روش کلی فلسفه روش عقلی است.

۲) فلسفه مانند همه دانش‌های دیگر قانونمند است و با استفاده از روش خاص مسائل خود را بررسی می‌کند.

۳) تفکر فلسفی خاص فیلسوفان نیست بلکه از همان آغازین روزهای حیات هر انسانی خود را نشان می‌دهد.

۴) همه انسان‌ها به شرط دقت در افکار، تصمیمات و اعمال روزانه خود دچار نوعی حیرت فلسفی می‌شوند.

پاسخ تشریحی تست اول:

۱) در مسائل فلسفی نمی‌توان از روش‌های تجربی مثل استفاده از حواس و آزمایش و ... بهره

برد. در این موارد فقط می‌توان با تفکر و تعقل و تجزیه و تحلیل دانسته‌ها به حل مسئله

نزدیک شد. ۳) انسان در زندگی روزانه خویش، با سوالهایی رو به رو میشود که می‌تواند

ساعاتی طولانی فکر او را به آن مشغول کند و این همان سوالات بنیادین اند. از همان آغازین

روزهای حیات انسان در زمین، افرادی اهمیت پرسش‌های فلسفی را دریافته و برای رسیدن به

پاسخ آن تلاش کرده اند.

و در گزینه ۲ عنوان شده که فلسفه مثل سایر دانش ها قانون به خصوصی دارد. و نیز هر دانشی روش مخصوص به خود دارد.

پس گزینه ۲ صحیح است.

تست دوم:

کدام مورد تفاوت اساسی فلسفه را با سایر علوم نشان می دهد؟ (کنکور ۹۹)

- (۱) ارائه دیدگاه های کلی
(۲) موضوع و مسائل آن
(۳) حیرت در برابر هستی
(۴) استفاده از روش عقلی

پاسخ تشریحی تست دوم :

- سایر علوم درباره ی موضوعات خاص از میان موضوعات مربوط به جهان و زندگی انسان می پردازند. ولی فلسفه به بررسی اصل وجود و حقیقت جهان، طبیعت و انسان می پردازد.

پس گزینه ۲ صحیح است.

- توجه کنید دانش ریاضی از لحاظ استفاده از روش عقلی با فلسفه شباهت دارد. (رد گزینه ۴)

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

تست سوم:

کدام مورد را می توان پرسشی فلسفی دانست؟ (کنکور ۱۴۰۰)

- ۱) فلسفه چگونه دانشی است؟
- ۲) فلسفه خواندن نماز چیست؟
- ۳) زندگی کردن چه فایده ای دارد؟
- ۴) آیا تفکر تابع قواعد خاصی است؟

پاسخ تشریحی تست سوم :

سوالات فلسفی مربوط به موضوعات اساسی و بنیادی است که بدون در دست داشتن پاسخ قانع کننده و درست برای آنها، تصمیم گیری های انسان به نتیجه و سرانجام روشنی نخواهد انجامید.

پس با این توصیف، گزینه ۳ سوالی بنیادی و اساسی است.

تهیه شده توسط: فاطمه
ایزدی، رتبه ۹۹ کنکور ۹۹،
دانشجوی روان شناسی دانشگاه
شیراز